



اجرای سریع مرحله دوم توافق غزه

وزیر خارجه آمریکا در کنفرانس پایان سال خود گفت که در حال تلاش برای نهایی کردن مرحله اول توافق غزه و حرکت به سمت مراحل دوم و سوم هستند. «مارکو روبیو»، وزیر امور خارجه ایالات متحده اظهار داشت که ایالات متحده در حال تلاش برای اجرای سریع مرحله دوم توافق غزه است. او در یک کنفرانس مطبوعاتی در روز جمعه افزود: «جنگ در غزه متوقف شده است و کارهای بیشتری برای انجام دادن وجود دارد. ما در حال تلاش برای نهایی کردن مرحله اول و حرکت به سمت اجرای مراحل دوم و سوم هستیم.» روبیو تحویل کامل کمک‌ها به مناطق تحت کنترل حماس را به وجود نیرویی که قادر به تأمین امنیت کامل آن، مستقل از این جنبش باشد، مرتبط دانست و افزود: «بنابراین، ما در مورد نیروی بین‌المللی و دستیابی به توافقی در مورد تکنوترات‌های فلسطینی برای به دست گرفتن امور، به منظور ورود کمک‌های بیشتر و سپس حرکت به سمت مرحله بازسازی، عجله داریم.»



حمایت از حمله به داعش

رئیس جمهور آمریکا در سخنانی ادعا کرد که کابینه الجولانی «کاملاً» از حملات تحت‌الایالات متحده علیه آنچه او مواضع تروریست‌های داعش در سوریه خواند، حمایت می‌کند. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا مدعی شد که حملات هوایی آمریکا به مواضع گروه تروریستی داعش «کاملاً» توسط کابینه موقت سوریه به ریاست احمد الشرح معروف به ابومحمد الجولانی پشتیبانی می‌شود و قول داد که اگر «تروریست‌ها» سعی در حمله یا تهدید ایالات متحده داشته باشند، آنها را «سخت‌تر از همیشه» هدف قرار دهد. پیش از این، بیت هگست، وزیر جنگ ایالات متحده، در پاسخ به حمله به سربازان آمریکایی در پالمیرای سوریه، عملیات حمله هاوک‌ای را در سوریه اعلام کرد. ترامپ که پیشتر مدعی ریشه‌کن شدن داعش شده بود، در حساب کاربری خود در توییتر نوشت: «ما با قدرت تمام در حال حمله به پایگاه‌های داعش در سوریه هستیم، جایی که غرق در خون است و مشکلات زیادی دارد، اما اگر داعش ریشه‌کن شود، آینده‌ای روشن خواهد داشت.»



هشدار زلنسکی

رئیس جمهور اوکراین به توانمندی موشکی روسیه اذعان کرد و گفت که جدیدترین سلاح‌های آخرالزمانی روسیه قابل رهگیری نیست. «ولودیمیر زلنسکی»، رئیس جمهور اوکراین در سخنانی با اشاره به جدیدترین سامانه موشکی روسیه که به موشک بالستیک میان‌برد و کلاهک‌های مافوق صوت مجهز شده است، گفت: «امروز نمی‌توان اورشلیک را با پهپاد سرنیگون کرد و در سراسر اوکراین از آن استفاده شده است. ما می‌دانیم چگونه با آن مقابله کنیم.» زلنسکی افزود: «ما از شرکا خواستیم شرکت‌هایی را که قطعات را از طریق کشورهای ثالث تأمین می‌کنند، تحریم کنند؛ بدون آنها، روسیه نمی‌تواند اورشلیک تولید کند. من هنوز آن تحریم‌ها را ندیده‌ام. روسیه به تولید ادامه خواهد داد، اگر چه ظرفیت آن همچنان محدود است.» در شرایطی که روسیه در جبهه‌های جنگ متعدد در اوکراین به پیشروی‌های تدریجی اما امدادار دست می‌یابد، توانمندی‌های جدید این کشور در عرصه موشکی به چالشی برای کی‌یف تبدیل شده است.

مشترک چندملیتی» (MNJTF) در حوزه دریاچه چاد، بحران امنیتی را تشدید کرده است. خروج نیجر از این ائتلاف در مارس ۲۰۲۵ و تهدیدهای چاد مبنی بر اقدامی مشابه، عملاً هماهنگی نظامی فرامرزی را فلج ساخته و به «ولایت غرب آفریقای داعش» (ISWAP) این فرصت را داده است تا با مصونیت کامل از مرزهای نفوذپذیر منطقه بهره‌برداری کند.

در این خلا امنیتی، فدراسیون روسیه نیروهای شبه‌نظامی خود را که پیش‌تر با نام «گروه واگنر» شناخته می‌شدند و اکنون تحت عنوان «سپاه آفریقا» فعالیت می‌کنند وارد میدان کرده است. با این حال، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که این جابه‌جایی نیرو، پیامدهای ویرانگری برای ثبات منطقه داشته است. «سپاه آفریقا» امنیت رژیم‌های حاکم و تضمین استخراج منابع را بر عملیات‌های ضدشورش مردم‌محور اولویت داده است. در مالی، همکاری «نیروهای مسلح مالی» (FAMA) با مزدوران روسی منجر به خشونت‌های افسارگسیخته علیه غیرنظامیان شده؛ وضعیتی که داعش با مهارت از آن برای سربازگیری بهره جسته است.

تاکتیک‌های خشن و سرکوبگرانه سپاه آفریقا، جوامع به‌حاشیه‌رانده‌شده، به‌ویژه قوم «فولانی» را وادار کرده است تا برای حفاظت از خود به آغوش «ولایت ساحل داعش» (ISSP) پناه ببرند. شکست راهبردی مداخله روسیه در جولای ۲۰۲۴ زمانی که کاروانی از مزدوران روسی و سربازان مالیایی در کمین شورشیان طوارق و جهادی‌ها در منطقه «تینزواتان» تارومار شد اسطوره کارآمدی نظامی مسکو را در هم شکست و اعتمادبه‌نفس گروه‌های تروریستی را دوچندان کرد.

به نوشته ACLED، علاوه بر مسئله خلا امنیتی، راهبرد داعش در آفریقا عمیقاً در بهره‌برداری از نارضایتی‌های محلی ریشه دارد که سپس در چارچوب ایدئولوژی فراملی سلفی-جهادی بازتعریف می‌شود. چشم‌انداز جمعیت‌شناختی قاره، که با «انباشت جمعیت جوان» و رکود اقتصادی متمایز می‌شود، بستری عظیم برای جذب نیرو فراهم کرده است. برآورد می‌شود تا سال ۲۰۴۰، عواملی نظیر تغییرات اقلیمی، بیابان‌زایی و سیلاب‌ها منجر به جابه‌جایی ۳۲ میلیون مهاجر داخلی شده و رقابت بر سر منابع میان دامداران و کشاورزان را تشدید کند.

شاخه‌های داعش با مهارت تمام در دل این منازعات بر سر منابع نفوذ کرده‌اند. در منطقه ساحل، شاخه ISSP از نارضایتی‌های جوامع دامدار که خود را قربانی تبعیض دولت‌های مرکزی و تهدید شبه‌نظامیان وابسته به کشاورزان یکجانشین می‌بینند، بهره‌برداری می‌کند. در جمهوری دموکراتیک کنگو نیز، «نیروهای دموکراتیک متفقین» (ADF) که تحت لوای «ولایت آفریقای مرکزی داعش» (ISCAP) فعالیت می‌کنند، از تنش‌های قومی و فقدان خدمات دولتی برای تثبیت جایگاه خود سود می‌برند.

بر خلاف پدیده «جنگجویان خارجی» که شاخه اصلی جنگ داخلی سوریه بود، چرخش داعش به سوی آفریقا به‌شدت بر جذب نیروهای بومی متکی است؛ نیروهایی که انگیزه اصلی آن‌ها نه صرفاً ایدئولوژی، بلکه «فشار اقتصادی» و تلاش برای بقاست. در حوزه دریاچه چاد، شاخه ISWAP نوعی «قرارداد اجتماعی تحریف‌شده» ارائه می‌دهد: در ازای پرداخت مالیات (زکات)، این گروه سطحی از نظم و امنیت را تأمین می‌کند که دولت نیجریه از ارائه آن ناتوان است. این تئوری «کنترل رقابتی» به داعش امکان می‌دهد تا نه صرفاً به‌عنوان یک گروه تروریستی، بلکه در قامت یک بازیگر حاکمیتی شبه‌دولت عمل کند و وابستگی‌هایی ایجاد نماید که گسستن آن‌ها دشوارتر از پایان دادن به یک اشغال نظامی است.

یک رکن حیاتی و غالباً مغفول در این چرخش استراتژیک، بازسازی ساختار داخلی داعش است. پس از از دست دادن قلمرو در شام، داعش به مدل «مرکز و اقمار» (Hub-and-Spoke) تحت مدیریت «اداره کل ولایات» گذار کرد. این نهاد اداری تضمین می‌کند که شاخه‌های دورافتاده آفریقایی صرفاً نمایندگی‌های نامرتب نیستند، بلکه اجزای لاینفک یک ساختار فرماندهی جهانی محسوب می‌شوند.

«اداره کل ولایات» از طریق دفاتر منطقه‌ای موسوم به «مکتب» عمل می‌کند که وظیفه هماهنگی امور مالی، لجستیکی و راهبردی را بر عهده دارند. در آفریقا، دو دفتر کلیدی ظهور کرده‌اند: ۱. مکتب الفرقان: مستقر در حوزه دریاچه چاد؛ این دفتر بر فعالیت‌های ISWAP و ISSP نظارت داشته و عملیات‌ها را در نیجریه، نیجر، مالی، بوركینافاسو و چاد هماهنگ می‌کند. ۲. مکتب الکراز: مستقر در پانتلند سومالی؛ این دفتر مدیریت داعش در سومالی (IS-Somalia)، شاخه کنگو (ISCAP) و داعش موزامبیک (ISM) را بر عهده دارد. نکته کلیدی این است که دفتر الکراز به‌عنوان موتور محرک مالی شبکه جهانی عمل می‌کند.

این ساختار تشکیلاتی، امکان انتقال دانش تاکتیکی و منابع را میسر می‌سازد. تاب‌آوری داعش در آفریقا با تکیه بر یک معماری سازمانی پیچیده تقویت می‌شود که تعادلی ظریف میان خودمختاری منطقه‌ای و نظارت راهبردی متمرکز برقرار کرده است. در حالی‌که «اداره کل ولایات» نقش حلقه اتصال را ایفا می‌کند، دفاتر منطقه‌ای کارکردهای تخصصی مالی و عملیاتی را بر عهده گرفته‌اند.



دیدیک گروه تروریستی قدیمی

داعش به‌ویژه شاخه خراسان و شبکه‌های رو به رشد آن در آفریقا به‌طور سیستماتیک به استفاده از رموز حریم خصوصی محور «مونرو» (Monero) روی آورده‌اند.

چرخش به آفریقا

در حالی که داعش همچنان به عملیات‌های پراکنده در همه دنیا ادامه خواهد داد و تلاش خواهد کرد تا نفوذ خود را در سوریه احیا کند، تمرکز اصلی این گروه در حال حاضر روی آفریقا است.

بیش از دوسوم فعالیت‌های جهانی داعش اکنون در قاره آفریقا ثبت می‌شود. این صرفاً یک تغییر تاکتیکی نیست، بلکه داعش با بهره‌گیری هوشمندانه از خلأهای ساختاری اقتصادی و امنیتی در آفریقا، از یک گروه شورشی به سمت استراتژی تثبیت قدرت و حکمرانی حرکت کرده است.

بر اساس گزارش ACLED، داعش در حالی که از شاخ آفریقا به عنوان یک گروه فرماندهی و لجستیک برای عملیات‌های جهانی بهره می‌برد، به دنبال تأسیس دولت-شهرهای پایدار در حوزه دریاچه چاد و ساحل است.

چرخش دولت اسلامی به سمت آفریقا یک تصادف تاریخی نیست. مبانی این چرخش بر چهار ستون اصلی استوار است: خلا حاکمیتی ناشی از عقب‌نشینی قدرت‌های بین‌المللی، بهره‌برداری از نارضایتی‌های اجتماعی-اقتصادی محلی، بازسازی دیوان سالاری شبکه جهانی داعش، و سرمایه‌گذاری بر تنش‌های منطقه‌ای.

اصلی‌ترین کاتالیزور گسترش داعش در آفریقا، فروپاشی معماری امنیتی بین‌المللی بوده است که پیش‌تر وظیفه مهار گروه‌های جهادی در ساحل و غرب آفریقا را بر عهده داشت. از سال ۲۰۲۰، ظهور یک «کمربند کودتا» در سراسر منطقه منجر به قطع توافق‌نامه‌های دفاعی با قدرت‌های غربی، به‌ویژه فرانسه و ایالات متحده شده است. تا سال ۲۰۲۵، فرانسه پس از خروج‌های قبلی از مالی، بوركینافاسو و نیجر، در حال تکمیل خروج نیروهای خود از چاد، سنگال و ساحل عاج است. این عقب‌نشینی‌ها، خلا امنیتی عظیمی را ایجاد کرده که حکومت‌های نظامی محلی، به‌رغم لفاظی‌های ضدغربی، در پر کردن آن ناتوان بوده‌اند.

افزون بر چالش‌های موجود، فروپاشی سازوکارهای همکاری منطقه‌ای، به‌ویژه چندپاره شدن «نیروی ضربت

و افرادی را که پیش‌تر دچار افراط‌گرایی شده بودند، به سوی خشونت عملی سوق داده است. به عنوان نمونه، در یک عملیات در اروپا مهاجم یک نوجوان ۱۵ ساله تونس‌تبار و شهروند سسونیس بود که در ویدئویی با داعش بیعت کرد و اقدام خود را «پاسخ به فراخوان دولت اسلامی برای هدف قرار دادن یهودیان و مسیحیان» نامید.

در ژانویه ۲۰۲۴، ابوحنیفه الانصاری، سخنگوی داعش، در پیامی صوتی از هوادارانش خواست تا «اهداف خود یعنی یهودیان، مسیحیان و متحدان‌شان را در خیابان‌ها و کوچه‌پس‌کوچه‌های آمریکا و اروپا شکار کنند.»

به نوشته سسی‌ان‌ان، دستورالعمل عملیاتی داعش همچون سال‌های گذشته بر یک اصل استوار است: «اینکه اهداف آسان را بر اهداف سخت و نظامی مقدم بدانید. این گروه پیروانش را ترغیب می‌کند که به جای مراکز نظامی، به اهداف غیرنظامی و مذهبی (مانند کنیسه‌ها و کلیساها) حمله کنند تا بیشترین رعب و وحشت را ایجاد نمایند. ۱۰ سال پیش، دیوید ارواین، رئیس وقت سازمان اطلاعات استرالیا، گفته بود که کابوس همیشگی او همان به‌اصطلاح گرگ تنهایی است که اغلب از طریق اینترنت افراطی شده و توانسته است دور از رادار اطلاعاتی پنهان بماند. امروز، با گذشت یک دهه و تغییرات ژئوپلیتیک گسترده، به نظر می‌رسد که در ماهیت این تهدید نامرئی، تغییر چندانی رخ نداده است.»

منابع مالی داعش

بقای داعش به عنوان یک سازمان جهانی، بدون شریان‌های مالی پایدار ناممکن است. در سال ۲۰۲۵، این گروه با درک واقعیت‌های نوین تکنولوژیک، معماری مالی پیچیده‌ای را طراحی کرده است که آمیزه‌ای از روش‌های سنتی و ابزارهای مدرن دیجیتال است.

اگرچه در گذشته «بیت کوین» ابزار محبوب تبادلات مالی تروریستی بود، اما افزایش فشارهای نظارتی جهانی و شفافیت ذاتی بلاک چین (که امکان رهگیری تراکنش‌ها را برای نهادهای امنیتی فراهم می‌کند)، استراتژیست‌های مالی داعش را به سمت گزینه‌های «رادارگریز» و امن‌تر سوق داده است.

شواهد اطلاعاتی در سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که